



ویژگی های حکمرانی فرهنگی آیت الله رئیسی به روایت دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

تأکید بر «عقلانیت» و «نگاه جمعی» در امور فرهنگی

سیاستگذاری فرهنگی

باسبین مقدم خیزنگار

«شورای عالی انقلاب فرهنگی» نهادی است که مرجع عالی سیاستگذاری فرهنگی به شمار می رود و خط مشی گذاری امور فرهنگی و آموزشی کشور را عهده دار است چنانکه تصمیمات آن در حکم قانون و لازم الاجراست و ریاست این شورا، برعهده رئیس جمهور است. در بازه زمانی سه ساله ای که شهید آیت الله رئیسی ساکنان این نهاد بود، تصمیمات و سیاست های فرهنگی و آموزشی اثرگذاری را شاهد بودیم. دکتر عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مصاحبه ای که با «راديو گفت وگو» داشت به نکات قابل توجهی درباره ویژگی های الگوی حکمرانی فرهنگی شهید آیت الله رئیسی اشاره کرد و «عقلانیت» و «نگاه جمعی» را از ویژگی های مدیریت فرهنگی ایشان برشمرد که فرازهایی از آن را برای شما روایت می کنیم.

آیت الله رئیسی تأکید داشت که امور فرهنگی کشور به تعویق نیفتد

دکتر خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شهید آیت الله رئیسی را جزء معدود رؤسای جمهوری معرفی می کند که در مشی حکمرانی او «امور فرهنگی» در اولویت قرار داشت. از این رو با حضور او در شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان ریاست این شورا و با دغدغه ای که پیرامون مسائل فرهنگی داشت، «سیاستگذاری فرهنگی» در کشور جدی تر پیش رفت. از همین رو بود که در دوره ریاست ایشان بر این شورا، ۲۴ مصوبه بر زمین مانده ابلاغ شد: «ایشان خود را مقید به حضور در جلسات شورای عالی



کارهای بر زمین مانده این شورا در دوره ریاست ایشان با پیگیری و توجه شان به امر فرهنگ تسریع شد.

چنانکه در دوره ایشان، مصوبات حوزه فرهنگ قابل توجهی افزایش یافت و حدود ۵۰ درصد از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به حوزه فرهنگ اختصاص پیدا کرد.»

شهید رئیسی نگاه های متنوع و متکثر فرهنگی را در تصمیمات فرهنگی لحاظ می کرد

دکتر خسروپناه تأکید کرد که وجه بارز مدیریت فرهنگی آیت الله رئیسی در نظر گرفتن «عقلانیت» و «نگاه جمعی» بود تا بتوان نگاه های متنوع و متکثر در امر فرهنگ را در سیاستگذاری این عرصه لحاظ کرد: «به عنوان مثال «سند صنایع دستی» با مشارکت وزارت میراث فرهنگی و بیش از هزار نفر از اصحاب و صاحب نظران این حوزه تدوین شد، چراکه ایشان اصرار داشتند باید همه ذینفعان در تدوین آن مشارکت داشته باشند.»

طی ۳ سال ریاست آیت الله رئیسی بر شورا، به اندازه ۲۰ سال گذشته مجتمع های فرهنگی ساخته شد

دکتر خسروپناه الگوی مدیریت فرهنگی آیت الله رئیسی را «مردمی» خواند و مثال هایی آورد تا نشان دهد که «شان مردم» و «منزلت فرهنگ» در حکمرانی ایشان چه عیاری دارد. او به تعداد مجتمع های فرهنگی که در دوره ریاست جمهوری ایشان ساخته شد، استناد کرد و گفت: «طی این سه سال شاید به اندازه ۲۰ سال گذشته، مجتمع های فرهنگی ساخته شد. تدوین سند تئاتر از موضوعات مورد پیگیری ایشان بود چرا که معتقد بودند به تئاتر کم توجهی شده است و همان طور که در کشور سازمان سینمایی داریم باید بنیاد تئاتر هم داشته باشد تا گواهی به اهتمام آیت الله رئیسی در اجرای امور فرهنگی بر زمین مانده

پیدا کرد

اختصاص

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

باشد: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از اسناد مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی است که آیت الله رئیسی پیگیر اجرایی شدن آن بودند و با تأکیدات ایشان بازرگاری و تدوین نقشه اجرایی کردن آن آغاز شد و وزارت آموزش و پرورش با همراهی استاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی این نقشه را تدوین کردند و به تازگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب شده است. همچنین معلمان بسیاری در تدوین این نقشه مشارکت داشتند که این امر مایه خشنودی آیت الله رئیسی بود.»

راه اندازی مجدد «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» با دستور آیت الله رئیسی

در وزارت امور خارجه شورایی به نام «شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور» داشتیم که مدت ها تعطیل بود. دکتر خسروپناه گفت به دلیل توجهی که آیت الله رئیسی به ایرانیان خارج از کشور داشت و از ایرانیان خارج از کشور به عنوان «ظرفیت» یاد می کرد که نباید ارتباط شان با کشور مختل شود از همین رو، در دوره ریاست سه ساله ایشان بر شورای عالی انقلاب فرهنگی با حمایت های ایشان، مجدد این شورا تشکیل شد و مسئولیت آن به وزارت خارجه سپرده شد. دکتر خسروپناه در بخش پایانی گفت وگویی خود به نکته قابل تأمل دیگری هم اشاره کرد: «آیت الله رئیسی همواره به اعضای شورای انقلاب فرهنگی تأکید می کردند که در هر موضوعی، نخست راهبردهای علمی و فرهنگی رهبر معظم انقلاب را مدنظر داشته باشید و بعد با این ریل گذاری، سندهای لازم در امور فرهنگی، آموزشی و علمی کشور را بنویسید.»

یک کارنامه وزین از یک سیاستمدار فرهنگی

- ۲۲ مصوبه بر زمین مانده شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دوره ریاست ایشان ابلاغ شد
- شورای هنر بعد از ۱۰ سال تعطیلی، مجدد در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی راه اندازی شد
- شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور بعد از مدت ها تعطیل، مجدد در وزارت امور خارجه راه اندازی شد
- تأکیدات و پیگیری آیت الله رئیسی، بازرگاری در آیین نامه ارتقای اعضای هیأت علمی آغاز شد و اکنون در حال نهایی شدن است
- آیت الله رئیسی معتقد بودند به تئاتر کم توجهی شده است و همان طور که در کشور سازمان سینمایی داریم باید بنیاد تئاتر هم داشته باشیم
- یکی از این مصوبات مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال گذشته «سند موسیقی» بود که اتفاقاً با تأکید آیت الله رئیسی به سرانجام رسید
- «سند صنایع دستی» با مشارکت وزارت میراث فرهنگی و بیش از هزار نفر از اصحاب و صاحب نظران این حوزه تدوین شد چراکه ایشان اصرار داشتند باید همه ذینفعان در تدوین آن مشارکت داشته باشند
- آیت الله رئیسی برای اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با مشارکت معلمان تأکید بسیار داشتند
- طی ۳ سال ریاست آیت الله رئیسی بر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شاید به اندازه ۲۰ سال گذشته مجتمع های فرهنگی ساخته شد



ابراهیم حیدری/ایران

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

پیدا کرد

یکی از مباحث مناقشه انگیز در تاریخ انقلاب همواره این بوده که برخی تلاش داشتند «اسلام سیاسی» را به حاشیه ببرند با این استدلال که «دخالته در مسائل اجتماعی نیست و عمل به دستورات اصل اسلام و رسیدن به سعادت اخروی، تنها وظیفه فرد مسلمان است و مسائل اجتماعی که اموری عرفی و عقلانی است، ربط و نسبتی با دین ندارد» بنابراین از فرد دیندار پر داختن به مسائل اجتماعی توقع نمی رود. روشنفکران سکولار هم قاعدتاً در این مناقشه را اینگونه تبیین می کنند: «امام خمینی (ره) با مجاهدت های فراوان و با تأیید های الهی توانستند این دو جریان را تا حدودی منزوی کنند. پس از رحلت ایشان هر دو جریان فوق، مجدداً به صحنه آمده و هراز چندگاهی در این ایده خطرناک می دمند. گرچه به مدد تدبیرهای رهبری معظم، مکرر شکست خورده اند اما باز هم داریم



حمایت مکرر مردم از اسلام سیاسی

روحانیان و غیر روحانیان در متن حوزه و غیر حوزه که آرزو دارند زمانه برگردد به قبل از انقلاب تا روحانیت مرجعیت خودش را داشته باشد... در توهم ایشان ورود روحانیت به حکومت شأن آنان را تقلیل داده و منزلت اجتماعی آنان از دست رفته است!»

دکتر عرب صالحی معتقد است با گذشت ۴۵ سال از انقلاب اسلامی نارسایی این ایده در نظر و عمل باطل شده و حضور حماسی مردم در مراسم تشییع شهدای خدمت، گواهی بر پیروزی های مکرر اسلام سیاسی در ایران است. او این استقبال را رفتارندومی دیگر برای انتخاب مجدد اسلام سیاسی نزد مردم ایران خواند: «در حادثه جانشینان اخیر، همه شهدا عاملین حکومت و خدمتگزار اسلام سیاسی بودند. تجلی ملی که از این عزیزان شهید در استان ها و شهرهای مختلف شد، بعد از تشییع حضرت امام خمینی (ره) یا بی نظیر بوده یا کم نظیر. پیام این استقبال و تجلیل، پیروزی مکرر اسلام سیاسی و روحانیت سیاسی و شکست ایده جدایی دین از سیاست و شکست ایده جدایی روحانیت از سیاست است. ثابت شد مردم اگر از مسئولان سیاسی می گیرند که به «جدایی دین از سیاست» با وجود همه مشکلات موجود، سپاسگزار چنین مسئولانی هستند و اگر در لباس دین باشند، بیشتر و بهتر از چنین مسئولانی قدر دانی دارند.»

دکتر عرب صالحی استقبال مردم از مسئولان خدمتگزار شهیدشان را گواهی می گیرد بر اینکه مردم ایران هنوز همچون ۴۵ سال پیش حامی سیاستمداران دیندار مخلص خود هستند و اگر باز عرصه انتخابی باشد، مجدد همین جنس از سیاست و سیاستمدار انتخابشان خواهد شد: «عقل عمومی مردم و بصیرت نافذ آنها به خوبی تفاوت سیاست ورزی مزورانه که با دیانت سیاسی قابل جمع است را با سیاستی که عین دیانت است، می فهمد؛ آنان سیاستمدار دیندار مخلص می خواهند نه سیاست باز ریاکار متظاهر.»

تحلیل حضور میلیونی مردم در تشییع شهدای خدمت

مردمی که از حادثه، حماسه آفرینند

اندر احوال جامعه شناسان و روشنفکرانی که باز مردم و واقعیت جامعه ایران را نادیده گرفتند!

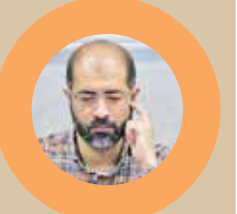
تحلیل

مریم احمدی خیزنگار

بار دیگر مردم با حضور میلیونی خود در مراسم تشییع شهید آیت الله رئیسی و دیگر مسئولان شهیدشان حماسه آفریدند. این حضور باشکوه مردم برای بدرقه خدمتگزاران شان، همچون حماسه حضور میلیونی در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ و تشییع پیکر سردار حاج قاسم سلیمانی در تاریخ ملی ایرانیان ثبت و از وقایع غرور آفرین ما ایرانیان خواهد شد. این حماسه ثابت کرد که برخلاف رای و نظر برخی روشنفکر مآب ها،

میلیون ها نفری که برای تشییع پیکر مسئولان شهید خود آمده بودند، مورد تحلیل مهدی جمشیدی عضو گروه فرهنگ پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قرار گرفت. او در یادداشت خود با عنوان «سیاستمدار دلریا» به تجلی هویت ملی در یک تشییع تاریخی اشاره می کند و می گوید که در سال های اخیر عده ای تلاش می کنند تعلقات ملی ایرانیان را تقلیل یافته توصیف کنند و بگویند که در جامعه ایران دیگر «امور اجماع ساز» مضمحل شده است: «اینان معتقدند که هویت ملی، بشدت کزند دیده و روم و شیرازهاش از هم پاشیده و از این رو، سرمایه اجتماعی در قوام فروبستگی و انسداد قرار گرفته است. دیگر هیچ امری نمی تواند عواطف ملی را برانگیزاند و مردم را در یک جهت، به حرکت در آورد. مقومات حیات جمعی تا آنجا دچار پریشانی شده که باید از فروپاشی اجتماعی سخن گفت و جامعه را از دست رفته یا در معرض انهدام کامل انگاشت.»

مهدی جمشیدی در فراز دیگری از تحلیل خود اشاره می کند که این جماعت، جمهوری اسلامی را متهم می کنند که با سیاست هایش، جامعه را تکه تکه کرده و باعث گسست میان مردم و حاکمیت شده است. به همین دلیل، اکنون نمی توانند این حماسه حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع آیت الله رئیسی را درک و هضم کنند و سکوت پیشه کرده اند، گویا حادثه ای در ابعاد ملی رخ نداده است: «حتی فراتر از این، می گویند بخش هایی از جامعه، چنان طرد و گریزان شده اند که از درگذشت رئیس جمهور، خشنود هستند و خود این امر نشان



تجلی هویت جمعی ایرانیان در یک تشییع تاریخی

می دهد که نفرت سیاسی در جامعه پدید آمده و تعلقات ملی، مضمحل شده اند. اما این قضاوت بددلانه و عجولانه، ناگهان با استقبال گسترده و عمیق مردم از پیکر رئیس جمهور در مراسم تشییع، مواجه و ابطال گردید. این مواجهه شورانگیز و معنوی مردم با رئیس جمهور نشان داد که حتی سیاسی ترین امر هم می تواند مایه و وقایع و همگرایی شود؛ با وجود اینکه سیاست، زحمت، مناقشه برانگیز و اختلافی است.»

او اشاره می کند که در تاریخ حیات فرهنگی انقلاب، این چندمین بار است که «سیاست انقلابی» با تمام ظرفیت هایش مردم را در جهت غایب قدسی و الهی برمی انگیزاند: «حسن مثبت جمعی نسبت به یک رئیس جمهور، همه را کنار یکدیگر قرار داد و عطری از همبستگی و همگرایی در جامعه افکند... برخی گمان می کردند که این تجربه در دهه شصت متوقف شده، اما تشییع اخیر، نشان داد که جامعه همچنان به ارزش های انقلابی، وفادار است و هویتش را ذیل عالم انقلابی، تعریف می کند.»

جمشیدی معتقد است، جامعه را باید در بزنگاه های تاریخی اش شناخت: «این لحظه ها، آنچه شان بزرگ و فاخر هستند که می توانند «عمق» و «باطن» یک جامعه را نشان دهند و اسرار درونی اش را آشکار سازند. در این لحظه هاست که جامعه، تعلقاتش را نشان می دهد... نفس هویتی جامعه را باید زیر تابوت های هفته گذشته گرفت و حال باطنی جامعه را در اینجا فهمید. جامعه در این لحظه ها و برهه ها، سخن جمعی می گوید و صدای نهفته اش، طنین انداز می شود.»